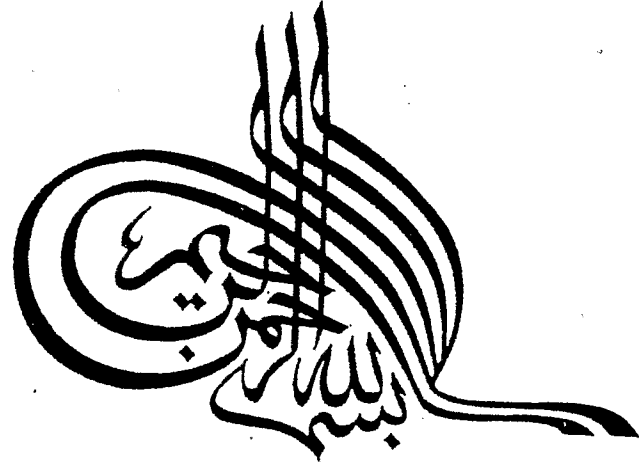


اسکری شد  
تاریخ: ۸/۱۱/۷۷  
توسط: پیر

۷۷



۲۴۴۴۹

مرکز مطالعات و تحقیقات فلسفه  
توسعه و آموزش

## دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه

پدیده شناسی تقویم در آدموند هوسرل

استاد راهنما:

آقای دکتر عبدالکریم رشیدیان

استاد مشاور:

آقای احمد علی اکبر مسگری

نگارش:

سعیده کوکب

بهمن ۱۳۷۶

۲۴۴۴۶

### سیاسگزاری

مراتب سپاس و تشکر خود را نسبت به آقای دکتر عبدالکریم رشیدیان و آقای احمد مسگری، اساتید راهنما و مشاور، که با بذل توجه و مساعدت و همکاری صمیمانه و بی‌شائبه خود مرا یاری نموده‌اند، ابراز می‌دارم و قدردانی و حق‌شناسی خود را نسبت به همه اساتید و بزرگانی که در طول این دوره افتخار شاگردی آنان را داشته‌ام، تقدیم می‌کنم.

فهرست مطالب

عنوان      صفحه

مقدمه ..... ۱

بخش ۱: تقویم اگوی محض

مقدمه ..... ۵

فصل اول: اثبات اگوی محض

۱: تقلیل استعلایی ..... ۶

۲: قصدیت ..... ۱۳

فصل دوم: مسأله شناخت

۱: بررسی نقادانه هوسرل در مورد نظریه‌های شناخت شناسانه ..... ۱۷

۲: نظریه هوسرل در باب شناخت ..... ۲۳

فصل سوم: تقویم اگوی محض و اگوی دیگر

۱: ارائه مسائل تقویمی مربوط به اگوی محض ..... ۳۱

۲: تقویم اگوی دیگر ..... ۳۹

فهرست مطالب

صفحه عنوان

بخش ۲: تقویم طبیعت مادی

مقدمه ..... ۴۷

فصل اول: ایده طبیعت به نحو کلی

۱: مفهوم طبیعت در رویکرد علمی - طبیعی ..... ۴۸

۲: ساختار تألیفی آگاهی ..... ۵۴

فصل دوم: تقویم لایه مادیت

۱: معنای امتداد ..... ۵۷

۲: ماهیت مادیت ..... ۶۱

فصل سوم: تقویم طبیعت عینی

۱: نقش سوژه منفرد یا سولپسیستی در تقویم چیز مادی ..... ۶۹

۲: تقویم طبیعت عینی در تجربه بین الذهانی ..... ۸۱

## فهرست مطالب

صفحه

۵۵۵۵۵۵

عنوان

## بخش ۳: تقویم طبیعت حیوانی

مقدمه ..... ۸۸

## فصل اول: طبیعت حیوانی

۱: مفهوم امر روانی ..... ۸۹

۲: سوژه واقعی روانی ..... ۹۴

## فصل دوم: تقویم واقعیت روانی از طریق بدن

۱: تقویم بدن ..... ۱۰۴

۲: خصوصیات بدن تقویم شده در سطح سوژه سولپسیستی ..... ۱۰۹

## فصل سوم: تقویم واقعیت روانی از طریق همدلی

۱: نحوه دادگی انسان دیگر و تقویم آن از طریق همدلی ..... ۱۱۲

۲: اهمیت همدلی برای تقویم من به عنوان انسان ..... ۱۱۶

## فهرست مطالب

صفحه

۵۵۵۵۵۵

عنوان

## بخش ۴: تقویم جهان روحی

مقدمه ..... ۱۲۱

## فصل اول: ایده جهان روحی

۱: تقابل میان رویکرد طبیعی گرایانه و شخصی گرایانه ..... ۱۲۲

۲: خصوصیات جهان روحی در تقابل با جهان طبیعی ..... ۱۲۶

## فصل دوم: روابط و قوانین حاکم بر جهان روحی

۱: آگوی روحی و رابطه قصدی آن با جهان پیرامونی ..... ۱۳۳

۲: انگیزش به عنوان قانون بنیادی جهان روحی ..... ۱۴۰

## فصل سوم: رابطه میان روح و طبیعت

۱: آگوی روحی و پایه فرودین آن ..... ۱۴۶

۲: تقدم انتولوژیک جهان روحی بر جهان طبیعی گرایانه ..... ۱۵۰

مؤخره ..... ۱۵۳

منابع و مأخذ ..... ۱۵۷

## مقدمه

ادموند هوسرل (۱۸۵۹-۱۹۳۸) مؤسس نهضت فلسفی پدید‌شناسی از متفکران بزرگ اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است که جایگاه ویژه‌ای را در تاریخ فلسفه به خود اختصاص داده است. او به عنوان مؤسس یک نهضت فلسفی، اندیشه‌های نو و بدیعی را در بسیاری از مسائل فلسفی مطرح کرده و افقهای جدیدی را نشان داده است. از یکسو آراء و نظریات فلسفی او تأثیر زیادی بر فلسفه قرن بیستم داشته است به طوری که می‌توان ادعا کرد بدون مراجعه و فهم فلسفه هوسرل نمی‌توان فلسفه قرن بیستم را شناخت. از سوی دیگر فلسفه او نقطه اوج یک سنت فلسفی یعنی سنت فلسفی دکارت و پیروانش محسوب می‌شود. هدف و دغدغه اصلی هوسرل تأسیس فلسفه‌ای است که همچون علم متقن باشد. او در مقاله «فلسفه به مثابه علم متقن» می‌گوید که همواره در تاریخ فلسفه ادعا می‌شده که فلسفه علمی است متقن و حتی علمی است که نیازهای نظری بسیار عمیق را برآورده می‌سازد اما در واقع در هیچ دوره‌ای فلسفه مطابق با این دعوی نبوده است. به عقیده او پدید‌شناسی مرحله گذشت و تحول فلسفه از وضع پیش از علمی به وضع علمی است. به همین جهت همواره در



آثارش بحران‌ها و مشکلات موجود در فلسفه‌های پیشین را مورد تحلیل نقادانه قرار می‌دهد و تلاش فلسفی او یافتن راه حلی برای مشکلات موجود است.

از نظر او یکی از مشکلات بسیار مهم در فلسفه، ثنویت و جدائی است که میان «فاعل شناسا و متعلق شناسایی»، «روح و بدن»، «پدیده و شیء فی نفسه» وجود دارد. این مشکل، بخصوص در فلسفه دکارت به نحو بارز دیده می‌شود. دکارت که مانند هوسرل به دنبال مبنا و اساس مطلق و متقنی است که فلسفه خود را بر آن بنا کند، برای رسیدن به یک حوزه مطلق و شک‌ناپذیر از طریق شک روشی خود شکاف عظیمی میان ذهن و عین قائل می‌شود. به عقیده دکارت ذهن و محتویات ذهن حوزه مطلق و شک‌ناپذیر و جهان خارج و آنچه عینی است در معرض شک باقی می‌ماند. این دو حوزه هیچ ارتباطی به یکدیگر ندارند و هر یک جوهری مستقل هستند. مسأله و مشکل اصلی در اینجا این است که چگونه می‌توان از ذهن به عین رسید و آن را شناخت. به عقیده هوسرل نه خود دکارت و نه هیچیک از فلاسفه بعد از او نتوانسته‌اند این مشکل را حل کنند و به همین دلیل باید راه جدیدی را آغاز کنیم. با تأمل در مورد فلسفه دکارت و هوسرل می‌بینیم در جایی که فلسفه دکارت پایان می‌یابد، نقطه آغاز فلسفه هوسرل است. هوسرل با الهام از دکارت و شک روشی، مسیر خود را آغاز می‌کند اما در آنچه دکارت به آن رسیده متوقف نمی‌شود بلکه با طرح فلسفه پدیده‌شناسی می‌خواهد مسأله امکان شناخت را حل کند. در واقع مسأله تقویم اعیان در آگاهی بدین معناست که چگونه می‌توان در آگاهی به اعیان دست یافت. هوسرل مدعی است از طریق فلسفه خود توانسته است این مسأله مهم و به ظاهر غیر قابل حل را که همواره در تاریخ فلسفه مطرح بوده، حل کند.

راه حل هوسرل این است که او اصلاً به طور کلی صورت مسأله را تغییر داده و آن را به گونه دیگری مطرح کرده است. به عقیده او از طریق سنتی به هیچ وجه نمی توان به راه حل مناسب رسید و اگر قائل به شکاف عین و ذهن شویم، پر کردن آن محال است. باید از ابتدا مسأله را به گونه ای مطرح ساخت که شکاف و دوگانگی ایجاد نشود. هوسرل از طریق روش پدیده شناسی به حوزه آگاهی مطلق یعنی حوزه داده های محض می رسد و فلسفه اش را بر آن بنا می کند. قصدیت را صفت ذاتی آگاهی مطلق می داند و بنابراین جهان را متضایف آگاهی لحاظ می کند و بدین ترتیب دوگانگی ذهن و عین را منتفی می سازد. سپس در بحث تقویم اعیان نشان می دهد که چگونه هر عینی در آگاهی معنای خود را بدست می آورد. بدین ترتیب یکی از موضوعات مهم و اساسی در فلسفه هوسرل مسائل مربوط به تقویم اعیان در آگاهی است و شاید بتوان گفت پدیده شناسی عبارت از مطالعه کیفیت تقویم جهان در آگاهی است.

در این رساله سعی کرده ام مراحل تقویم اعیان در آگاهی را مطابق با نظر هوسرل نشان دهم. این امر در ۴ بخش انجام می شود. در بخش ۱ تحت عنوان تقویم اگوی محض ابتدا مراحل را که هوسرل طی می کند تا به هستی مطلق و شک ناپذیر یعنی اگوی محض برسد بررسی می شود. سپس با طرح مسائل تقویمی مربوط به اگوی محض به تقویم اگوی دیگر می پردازیم که نقش اساسی در تقویم جهان عینی ایفا می کند و در بخش ۲، ۳ و ۴ به ترتیب به تقویم طبیعت مادی، طبیعت حیوانی و جهان روحی خواهیم پرداخت.   
 ↖ در این رساله سعی کرده ام مراحل تقویم اعیان در آگاهی را مطابق با نظر هوسرل نشان دهم. این امر در ۴ بخش انجام می شود. در بخش ۱ تحت عنوان تقویم اگوی محض ابتدا مراحل را که هوسرل طی می کند تا به هستی مطلق و شک ناپذیر یعنی اگوی محض برسد بررسی می شود. سپس با طرح مسائل تقویمی مربوط به اگوی محض به تقویم اگوی دیگر می پردازیم که نقش اساسی در تقویم جهان عینی ایفا می کند و در بخش ۲، ۳ و ۴ به ترتیب به تقویم طبیعت مادی، طبیعت حیوانی و جهان روحی خواهیم پرداخت.   
 ↗

# بخش ۱

تقویم آگوی محض

## مقدمه

در این بخش تقویم آگوی محض مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در فصل اول اثبات آگوی محض از طریق روش پدیده‌شناسی یعنی تقلیل استعلایی، بررسی و سپس خصوصیت ذاتی آن یعنی قصدیت مطرح می‌شود. در فصل دوم مسأله امکان شناخت از نظر هوسرل تبیین می‌شود و در فصل سوم مسائل تقویمی مربوط به آگوی محض و در نهایت تقویم آگوی دیگر مطرح خواهد شد.

## فصل اول

### اثبات‌اگوی محض

#### ۱- تقلیل استعلایی

هوسرل با تأسیس پدیده‌شناسی، در واقع خود را هماهنگ با دکارت می‌دانست. یکی از جهات اشتراک این دو فیلسوف سعی آنان در قوام بخشیدن به فلسفه‌ای بود که دقیقاً مانند علم به تمام معنی مبتنی بر اصول متیقن باشد. در مقاله «فلسفه به مثابه علم متقن»، هوسرل اعلام می‌کند که فقط پدیده‌شناسی می‌تواند علم و فلسفه را در مسیری صحیح قرار دهد و در نتیجه آنها را از بحرانی که به آن دچارند، نجات بخشد. او با انتقاد از مکاتبی چون اصالت طبیعت، اصالت علم و اصالت تاریخ، معتقد است فلسفه وظیفه و قلمرو مخصوص به خود را دارد و نه تنها مستقل از علم است بلکه مبانی و اصول ریشه‌ای علوم را نیز روشن می‌کند.

البته باید توجه داشت که اصطلاح فلسفه علمی در نزد هوسرل معنای خاصی دارد و نباید آن را با معنای متعارف یعنی فلسفه‌ای که مبتنی بر قضایا و نظریه‌های علمی

است مترادف و یکسان دانست. منظور هوسرل از فلسفه علمی همان پدیده‌شناسی است و لفظ علمی در واقع بر «بدون پیش فرض بودن» دلالت می‌کند. چنین فلسفه‌ای با هر نوع تحویل‌گرایی افراطی مخالف است زیرا این مکاتب مجموعه‌ای از پیش فرضها و پیش‌داوریهای بدون نقد و بررسی را همچون اصول موضوعه پذیرفته‌اند. از طرف دیگر پدیده‌شناسی باید از پیش‌فرضهای موجود در مکاتب فلسفی دیگر نیز مبرا باشد. بدین ترتیب هوسرل نقطه عزیمت فلسفه خود را خود اشیاء می‌داند.

نیروی محرک فلسفی را نه از فلسفه‌ها، بلکه از خود اشیاء باید استخراج

کرد.<sup>۱</sup>

موضوع پدیده‌شناسی، پدیده‌های محض است و هوسرل برای نیل به چنین فلسفه‌ای از روش پدیده‌شناسی یعنی تقلیل استعلایی استفاده می‌کند. در واقع عامل اصلی تأسیس پدیده‌شناسی استعلایی و انتقال به رویکرد پدیده‌شناسی با استفاده از روش تقلیل، مشکلاتی بوده است که از نظر هوسرل در رویکرد طبیعی قابل حل نیست و مهمترین مسأله عبارت است از اینکه چگونه می‌توان به چیزی که در ورای آگاهی است و به عبارت دیگر نسبت به آگاهی تعالی دارد، علم پیدا کرد؟ از نظر هوسرل برای رسیدن به فلسفه‌ای علمی و حل مشکل امکان‌شناخت باید از رویکرد طبیعی به

1. Edmund Husserl, *Ideas*, general introduction to pure phenomenology, translated by W.R.Boyce Gibson, Professor of Philosophy in the University of Melbourne, First Published in English in 1931, p.124.

لازم به توضیح است که کتاب ایده‌ها اثر ادمنوند هوسرل در چند جلد به چاپ رسیده است. جلد اول آن که در اینجا به آن استناد شده است در زمان حیات هوسرل به چاپ رسیده و جلدهای دیگر پس از مرگ او منتشر شده است. به همین جهت در این رساله در ارجاعات بعدی به این جلد اول از کتاب ایده‌ها، نام کتاب به صورت *Ideas I* خواهد آمد.

رویکرد پدیده‌شناسی منتقل شویم. تقلیل یعنی خروج از وضع طبیعی و تفکر خام و زندگی روزمره و رجوع به مبادی و اصولی که مورد غفلت واقع شده‌اند. به عقیده هوسرل رویکرد طبیعی و عناصر و مقومات آن حجاب حقیقت است و به همین دلیل خروج از آن ضرورت دارد. او رویکرد طبیعی را چنین توصیف می‌کند:

از جهانی که در مکان تا بی‌نهایت گسترده است و در زمان صیرورتی بی‌پایان دارد، آگاهی دارم. اشیاء مادی که به نوعی در فضا پراکنده شده‌اند در ادراک حسی من به انحاء مختلف از راه دیدن، لمس کردن، شنیدن و غیره به معنای واقعی کلمه حضور دارند، همچنین موجودات جاندار نیز برای من بی‌واسطه وجود دارند. جهان برای من تنها، جهان امور واقع و رویدادها نیست بلکه به همان بی‌واسطگی جهان ارزشهاست. من دائماً به عنوان کسی که ادراک می‌کند، فکر می‌کند، احساس می‌کند، آرزو می‌کند برای خود حضور دارم و در بیشتر این احوال، خود را در تجربه فعلی با جهان امور واقع که همیشه پیرامون من است در ارتباط می‌یابم. چنین درمی‌یابم که جهانی زمانی - مکانی از امور واقع به طور دائم در برابر من حضور و وجود دارد که بدان متعلق هستم، همچنان که انسانهای دیگری که در آن هستند بدان تعلق دارند. همان‌گونه که جهان به ما می‌گوید درمی‌یابم که این جهان امور واقع در بیرون وجود دارد.<sup>۱</sup>

خصوصیات رویکرد طبیعی را می‌توان بدین نحو به طور خلاصه، مطرح کرد:  
۱- یک واقعیت مادی و خارجی وجود دارد که در فضا و زمان گسترده است.